

حرف درشت

روش‌های شناسایی یک ایرانی در خارج-۳



► **یوریا عالمی**

● ما پیروز و دیروز و امروز در سفرنامه‌مان برای شما فاش کردیم و می‌کنیم که خطوری ایرانی‌ها را در خارج بشناسیم (البته بلانسیب شما):

۱۶- در رستوران یک‌بارہ می‌بینید که در گوشه‌ای بحث در می‌گیرد و دعوا می‌شود و دو نفر به سمت هم هجوم می‌برند و یکی مچ طرف مقابل را می‌خواهد بشکند؛ نگران نشوید، چیزی نیست چون دوتا هم‌وطن می‌خواهند غذای آن یکی را حساب کنند.

۱۷- افرادی در موزه‌ها به‌شدت خیره می‌شوند، به اثر؟ نه، به مخاطب اثر. آنها یا هم‌وطن هستند یا «انسان‌شناس».

۱۸- از بین گروه‌هایی که مشغول تماشای آثار تاریخی هستند، یک گروه سر این موضوع بحث می‌کند که ایده همه اینها را از ایران دزدیده‌اند و دارند باهاش پز می‌دهند. آن گروه قطعاً کجایی است؟

۱۹- توی خارج یک‌سری اصرار دارند که حتماً از مترو و اتوبوس و خودروهای جمعی استفاده کنیم، دلیش هم هزینه زیاد تاکسی در خارج نیست. آنها یک‌دفعه موافق و مبلغ ازجان‌گذشته حفظ محیط زیست و آلودگی هوای خارج می‌شوند، درحالی‌که در داخل حتماً از ماشین شخصی استفاده می‌کنند و خیلی نگران آلودگی هوا بشوند آژانس می‌گیرند.

۲۰- یکی از ایرانی‌ها اعلام کرد: آن برادر عزیزی که غذا، هدفون، آبیموه، بالشت و پتوی هواپیما را برده، عیبی ندارد، فقط لطفاً فرمان هواپیما را برگردانید، خلبان لنگ شماس‌ت.

۲۱- هر ایرانی اصیل در فرنگ، شبیه کشمش در شیرینی کشمشی یا یک نظر قابل‌شناسایی است.

حرف‌درشت

دیروز و امروز بعضی از دانشمندان و مخاطبان این ستون گلابه کرده‌اند که در این ستون به ایرانی‌ها توهین شده و ایرانی‌ها خیلی خوبند.

ما هم ضمن تأیید حرف ایشان، اعلام می‌کنیم: باشه، تو خوبی!

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۶ • ۱۸ رمضان ۱۴۳۸ • ۱۳ ژوئن ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۸۶ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۲۰:۴۲ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



► **علی رومانی**
aliromani84@gmail.com

به بهانه ی سفر اخیر ترامپ به خاورمیانه



پرنده آبی

هشتگ جام جهانی

گذرا بود. بسیاری از بازنشدن درهای ورزشگاه گفته بودند. عده‌ای برای برگزاری جشن پیروزی قرار و مدار بعد از ورزشگاه را می‌گذاشتند. اشاراتی نیز به حضور فردوسی‌پور در ورزشگاه مطرح می‌شد؛ چون قرار بود نود نیز در ورزشگاه اجرای برنامه داشته باشد تا بتوانند در صورت پیروزی تیم ایران با اعضای آن گفت‌وگوی کوتاهی داشته باشند. ایران در صورت پیروزی در برابر ازبکستان می‌تواند به جام جهانی راه یابد. اتفاقی که اگر رخ دهد پیروزی بزرگی برای کی‌روش با آن حقوق میلیاردی‌اش است. در این میان عده‌ای به گذشته نقب زده بودند و از امکان نمایش فوتبال در سینماها یاد

تنها چند ساعت مانده به بازی ایران – ازبکستان ۱۱۶۱۴ صندلی خالی در طبقه اول و ۲۸۸۴۵ صندلی خالی در طبقه دوم #استادیوم-آزادی باقی مانده بود. در این‌باره تفسیرهای متعددی در شبکه‌های اجتماعی مطرح بود. اما برخی نیز آن را به مسائل امنیتی و اتفاقاتی که چهارشنبه گذشته در تهران رخ داده بود، مرتبط می‌دانستند. اما از سوی دیگر، کاربران شبکه‌های اجتماعی، برخلاف بازی‌های والیبال که به‌شدت و پیکیر، آن را دنبال می‌کردند، تحت‌تأثیر یادآوری روز ۲۲ خرداد بودند و چندان به این بازی فوتبال توجه نمی‌کردند یا اگر توجهی می‌کردند خیلی پراکنده و

سلام به فردا

تجربه‌های پس از انتخابات

اصلاح‌طلبان و حفاظت از سرمایه‌های اجتماعی خود

پاسخ‌گویی و حفظ این سرمایه اجتماعی برخوردار باشند. اگر این جریان توانست در ۲۹ اردیبهشت ۹۶ در انتخابات نتیجه بگیرد نیز به پشتوانه همین سرمایه اجتماعی و با تکیه بر همین منطق بود. اصلاح‌طلبان به خوبی می‌دانند که برای برداشتن گام‌های بعدی باید به نحوی عمل کنند که این سرمایه اجتماعی را حفظ کنند. این جریان سیاسی از نظارت و پرسشگری نمی‌گریزد چراکه در نهایت جلب اعتماد مردم در پرتو همین پرسشگری‌ها و پاسخ‌گویی‌ها خواهد بود. اما جریان سیاسی دیگر که در این انتخابات توانست نزدیک به ۱۶ میلیون رأی کسب کند، اگر این قاعده را پذیرفته باشد، گریزی جز این ندارد که عملکرد گذشته خود را مورد نقد و بازبینی و آسیب‌شناسی قرار دهد، این جریان سیاسی نیز اگر پذیرفته که باید از طریق صندوق رأی و انتخابات و حضور در نهادهای انتخابی برنامه‌های خود را در ساختار قدرت پیگیری کند، باید هم در سطح گفتگمانی و آسیب‌شناسی خود



سیاسی چه بخواهند و چه نخواهند، صندوق رأی سطحی از مشارکت سیاسی را در ایران رقم زده است که آنها برای حضور در سطوحی از قدرت سیاسی کشور به رقابت پرداخته و با ارائه برنامه و جلب اعتماد اکثریت مردم، بر کرسی‌های نمایندگی تکیه زنند.

جریان اصلاح‌طلب با نقد واقع‌بینانه خود به این جمع‌بندی رسیده که

پیشنهاد

فلسفه دارونماها و مغزپژوهی امروز

دویست‌وهفتادونهمین سمینار عصب‌پژوهی اجتماعی به بررسی فلسفه دارونماها و رابطه پزشک و بیمار اختصاص دارد. در این سمینار ابتدا دکتر «تورج نیرونی» تحت عنوان «دارونماها در مغز پیچیده»، با توجه به سیر تکامل طبیعی و شواهد تاریخی، به تأثیرات مهم دارونماها با توجه به مکانیسم‌های مغزی خواهد پرداخت. در ادامه این بحث، دکتر «عبدالرحمن نجل‌رحیم» تحت عنوان «از خطای دکارتی تا رابطه پزشک و بیمار» به این بحث دامن می‌زند که حذف تأثیر دارونماها در تاریخ پزشکی ناشی از غلبه فلسفه افلاطونی -دکارتی دوگانه‌انگاری (دوالیسم) ذهن و تن بوده که مکانیسم‌های حاکم بر بدن را جدا از پدیده‌های ذهنی- روانی تلقی می‌کرد. شاید در پیروی از این نظر در پزشکی بود که نورولوژی (عصب‌شناسی) از روان‌شناسی و حتی تا اندازه‌ای روان‌پزشکی جدا نگه داشته شد.

یافته‌های نوین در مغزپژوهی نشان می‌دهد که تأثیرات شفافبخش دارونماها واقعی است و مرتبط به فعالیت شبکه‌های نورونی در نواحی خاص مغز است که در هنگام ایجادشدن شرایط انتظار، توقع و امید برای درمان اتفاق می‌افتد و با انواعی از یادگیری در مغز پشتیبانی می‌شود. به نظر می‌رسد با درنظرگرفتن این‌ اثرات و مکانیسم‌های مغزی آنها بتوان روابط بین بیمار و پزشک در طب مدرن را بهبود بخشید که تحت‌تأثیر فلسفه دوگانه‌پندار جدایی تن و مغز از ذهن و روان قرار داشت. با غلبه این نوع پندار در پزشکی بود که تأثیرات دارونماها، خیالی و دارای منشایی غیرجسمانی و تأثیرات شگفت‌انگیز شفافبخش شرایط حاکم بین پزشک و بیمار در امر درمان ناچیز تلقی می‌شد.

می‌توان تصور کرد که در آینده با درنظرگرفتن اهمیت این نوع تأثیرات بینامغزی و بهبود روابط بین پزشک و بیمار در طب مدرن، دیگر جایی برای نوعی از طب جایگزین یا مکمل باقی نماند که منشأ شقای خود را در جایی خارج از محور مغز و بدن جست‌وجو می‌کند. پرداختن به چنین مفاهیمی قرار است در دویست‌وهفتادونهمین جلسه ماهانه عصب‌پژوهی اجتماعی مورد بحث قرار گیرد. این نشست ساعت ۸:۳۰ صبح ۲۵ خرداد۱۳۹۶ در سالن بیمارستان ایرانمهر واقع در خیابان شریعتی نرسیده به دوراهی قلهک برگزار می‌شود.

سلام به فردا

تجربه‌های پس از انتخابات

اصلاح‌طلبان و حفاظت از سرمایه‌های اجتماعی خود

پاسخ‌گویی و حفظ این سرمایه اجتماعی برخوردار باشند. اگر این جریان توانست در ۲۹ اردیبهشت ۹۶ در انتخابات نتیجه بگیرد نیز به پشتوانه همین سرمایه اجتماعی و با تکیه بر همین منطق بود. اصلاح‌طلبان به خوبی می‌دانند که برای برداشتن گام‌های بعدی باید به نحوی عمل کنند که این سرمایه اجتماعی را حفظ کنند. این جریان سیاسی از نظارت و پرسشگری نمی‌گریزد چراکه در نهایت جلب اعتماد مردم در پرتو همین پرسشگری‌ها و پاسخ‌گویی‌ها خواهد بود. اما جریان سیاسی دیگر که در این انتخابات توانست نزدیک به ۱۶ میلیون رأی کسب کند، اگر این قاعده را پذیرفته باشد، گریزی جز این ندارد که عملکرد گذشته خود را مورد نقد و بازبینی و آسیب‌شناسی قرار دهد، این جریان سیاسی نیز اگر پذیرفته که باید از طریق صندوق رأی و انتخابات و حضور در نهادهای انتخابی برنامه‌های خود را در ساختار قدرت پیگیری کند، باید هم در سطح گفتگمانی و آسیب‌شناسی خود



کودکان کار و موانع توسعه

نهادها، ان‌جی‌اوها و مؤسسات خیریه گوناگونی در زمینه حمایت از کودکان مشغول به فعالیت هستند؛ اما وضع کودکان کار، لااقل در چهارراه‌ها و خیابان‌های شهر، فرقی با قبل نکرده است. کارشناسانی که در این کافه‌نظر سخن گفته‌اند، معتقدند مجبورکردن کودکان به انجام کار به‌عنوان یک فعلل اقتصادی مجبور به ورود به بازار کار شده‌اند، سخن می‌گویند. در ایران،

بایزید مردوخی◀ اقتصاددان



آخرین آمارهای مرکز پژوهش‌های مجلس را به یادآوریم که از بازماندن سه‌میلیون و ۲۰۰ هزار کودک از روند تحصیل خبر می‌داد. کار اجباری کودکان، یکی از منشأهای بازماندن آنها از تحصیل است و این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که چرا هنوز خانواده‌هایی در ایران وجود دارند که استطاعت مالی فرستادن فرزندشان به مدرسه را ندارند. به بیان دیگر، خانواده‌ای که نتواند معیشت بچه‌هایش را تأمین کند، احتمالاً نخواهد توانست آنها را راهی مدرسه کند. در چنین شرایطی قانون اساسی ما، به شکلی انسانی و دموکراتیک، سعی در حل مشکل کرده و وظیفه آموزش کودکان را از ابتدایی تا مدارج بالا، بر عهده دولت‌ها گذاشته است. حتی کشف این مهم، نیازی به چنین آمارهای رسمی‌ای نیز ندارد؛ کافی است در خیابان‌ها راه بروید و انبوهی از کودکان گل‌فروش یا واکسی را ببینید که به شکلی غریب، یادآور صندلی‌های خالی‌شان در مدارس هستند. با چنین اوصافی، به نظر می‌رسد توسعه‌نیافتگی ما در حوزه اقتصاد و بالابودن هزینه‌های تحصیل برای خانواده‌هایی که با هزاران مشکل اقتصادی مواجه‌اند، اصلی‌ترین دلایل چنین آمار نگران‌کننده‌ای است. از سوی دیگر، روند خصوصی‌سازی آموزش که در سه دهه اخیر شدت گرفته هم گریه به این معادله گور می‌افزاید.

سعید معیدفر◀ جامعه‌شناس



اگر در جامعه‌ای، کودکان به هر دلیلی از مراحل که باید در روند آموزش و تحصیل قرار گیرند، دور شوند و کار اجباری مانع شود که فرایند تعلیم و تربیتی را طی کنند، ما فقط با ایجاد مانع برای گروهی خاص مواجه نیستیم؛ ما عملاً با مانعی برای رشد و توسعه جامعه مواجه خواهیم بود. به همین دلیل است که ۱۲ ژوئن بهانه‌ای شده است برای یادآوری منع کار کودکان در کشورهایی که به اصطلاح به آنها توسعه‌یافته می‌گویند. می‌توان این‌طور گفت که کار اجباری کودکان، مانع رشدیافتگی آنها شده و رشدنیافتن آنها، به کندشدن روند رشد و توسعه جامعه دامن می‌زند و حلقه این اتصال در آموزش و تربیت کودکان است. بنابراین به نظر می‌رسد برای متوقف‌کردن این دور باطل، می‌توان به کمک کمپین‌ها و فعالیت‌های مردمی در ملزم‌کردن مسئولان و نهادهای مؤثر امیدوار بود. از یاد نبریم که کار کودک چه از روی اجبار باشد و چه از روی اختیار، نوعی رفتار ناهنجار اجتماعی است که می‌تواند نه فقط برای خود کودک مشکلاتی را فراهم آورد، بلکه زمینه‌ساز سوءاستفاده بزرگ‌سالان نیز باشد و ازآنجاکه محیط‌های کار این افراد، عموماً بدون هیچ‌گونه نظارت و حمایتی در خیابان‌ها و چهارراه‌هاست، خطرات جسمی و روحی فراوانی تهدیدشان می‌کند.

پوران درخشنده◀ کارگردان



ارانه هرگونه تصویری از کودکان کار کلیشه‌ای و نخبه‌ما به نظر می‌رسد؛ اما سؤال اینجاست که چرا یک درد اجتماعی، یک مسئله و آسیب اجتماعی باید به موضوعی کلیشه‌ای بدل شود؟ آیا توان مواجهه با آن را نداریم یا بلد نیستیم این معضل را با روشی عملی و علمی حل کنیم؟ به نظر می‌رسد وقتی سخن از کودکان کار می‌شود، ما با گروه نه‌چندان کوچکی از کودکان مواجه هستیم که فارغ از جفایی که در حوشان روا می‌شود، موانع آینده جامعه در مسیر همین توسعه خواهند بود. اهمیت نقش مادری و کانون خانواده در این میان پررنگ‌تر از هرچیز دیگری ست. درست است که بسیاری از نهادها، خواهان بهبود شرایط برای زیست کودکان در جامعه امروز هستند و با فرهنگ‌سازی سعی دارند قدمی هرچند قدیمی به سمت جامعه بدون کودک کار بردارند؛ اما واقعیت این است که تا نهاد خانواده و در رأس آن، مادران، جایگاه خود را بازنیابند، فرصت تربیت فرزند که پیش‌زمینه فرصت‌سازی برای تربیت نسل نیک است، فراهم نمی‌شود.

پیشخوان

را برده‌اند فینیش. در بخش سینما به فیلم لالاند پرداخته شده و با یک مقاله تألیفی و یک مقاله ترجمه، در جستجوی راز حقیقت هیروت در سینمای موزیکال برآمده است.

در بخش موسیقی پرداختن به عالم هیروت و اینکه آیا موسیقی غم از دل‌ها براندازد یا نه، موضوع اساسی کار مجله است. در همین زمینه، درباره توهمت سرشناسانی هم چون دبوسی، راول و ساتی و عقاید مطرح‌شده توسط این افراد، مطالبی تهیه شده است.

در بخش تجسمی به سرگذشت نگاه و هیروت در نقاشی‌ها و آثار به‌جامانده از گذشته ایران و آثار خیال‌پردازانه کنترنج پرداخته شده

است. مطالبی درباره سیاست و ادبیات نیز در بخش‌های مختلف این ماهنامه به چشم می‌خورد.

شبکه آفتاب اردیبهشت چندی است بر پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها و روزنامه‌فروشی‌هاست. ماهنامه‌ای با مجموعه‌ای از گزارش‌های منحصربه‌فرد.

این‌بار پیونده اصلی درباره هیروت است.

اگر از صفحات ابتدایی نشریه شروع به ورق‌زدن کنیم، در بخش اجتماعی گزارشی درباره مردآزما، موجودی خیالی در دره گرگ، تهیه شده است. مردآزما از نظر عده‌ای، از جانوران کمیاب است که البته با بیل مش‌کریم کشته شده است. شبکه آفتاب خبرنگار خود را به این جغرافیای پررمز و راز فرستاده تا از مش کریم درباره مردآزما بی‌پرس و حقایقی را درباره آن به خوانندگان اطلاع دهد.

درباره بندر سیراف نیز گزارشی از حال‌وهوای اکنون و گذشته‌اش تهیه شده است؛ چه اکنون و چه در گذشته که باستان‌شناسان انگلیسی آمده‌اند و سکه‌ها

